

## تعدد زوجات

ایساکتی لئو در مجمع کلیساها خطبه‌ای ایراد کرد و گفت راست است که ظاهراً مسیحیان بیش از یک زن نمیگیرند ولی همه میدانیم که پشت دیوار خفاء بطور وخیمی با چند زن ارتباط نامشروع دارند.

ژرژ انکتی در کتاب (Essai. sur la Polygamie - عقیده راجع بتعدد زوجات) از قانون اسلام تمجید کرده و تعدد را برای بهبود اوضاع اجتماع لازم دانسته و اغلب مجلات خارجی در اطراف آن مقالاتی نوشته و برای جلوگیری از فحشا و حفظ موازنه و تکثیر جمعیت لازم دانسته و میگویند اگر در مرز الهامات خرد انجام شود منافع بیشمار دارد و زنان را از بدبختی و سقوط بمنجلاب فحشاء نجات میدهد.

لایبنیز Leibniz فیلسوف آلمانی در کتاب دیانات العالم میگوید تعدد زوجات قطع نظر از لزوم و منافعش مربوط بوقتی است که اسلام زوجه‌های نامحدود عرب را بچهار زن محدود و بشرط عدالت بین زنان که تعلیق بندرت یا محال است و کول ساخت.

بانو دکتر والگری استاد معاصر زبان عربی و تاریخ تمدن اسلامی در دانشگاه ناپولی (ایتالیا) در کتابی که تحت عنوان دفاع از اسلام نوشته است میگوید ما با قدرت و اطمینان اظهار عقیده میکنیم که تا کنون دلیل متقنی که تعدد زوجات را فساد اجتماعی و مانع راه ترقی و پیشرفت تعبیر کنیم عرضه نشده است و پافشاری میکنیم که در برخی از مراحل تحول اجتماعی حالات خاصی پیدا میشود که تعدد زوجات یک امر ضروری اجتماعی محسوب میگردد.

دشمنان اسلام سعی فراوان بکار بردند که محمد(ص) را شخصی شهوانی و مردی لاپابالی معرفی کنند و ازدواج متعدد او را دلیل ضعف شخصیت و منافی با رسالت قلمداد نمایند ولی از قبول این حقیقت امتناع ورزیده اند که محمد(ص) در تمام سنین جوانی که در طول آن غریزه جنسی انسان را تحت فشار شدیدی قرار میدهد در اجتماعی مانند اجتماع عرب که تعدد زوجات متداول و نامحدود و طلاق خیلی سهل و رایج بوده زنی را بیش بعقد خود در نیاورد و آن خدیجه بود که با وی از لحاظ سن تفاوت فاحشی داشت و در طول بیست و پنج سال برای خدیجه شوهری وفادار و یکدل بود و هرگز تن با ازدواج دیگر نداد مگر وقتی که خدیجه بدرود حیات گفت و ازدواج‌های او علت صالح سیاسی و اجتماعی داشت از لحاظ سیاسی میخواست از راه زناشویی با قبایل دیگر ارتباط دوستی و خویشاوندی برقرار کند و طریق انتشار اسلام را طی کند، غیر از عایشه که دوشیزه بود هرگز زنی که از جوانی و زیبایی بهره داشته باشد نگرفت و علاقه بفرزند نیز انگیزه‌ای بود زیرا فرزندان که از خدیجه داشت همه رخت بر بسته بودند ولی همان دشمنان اسلام بسنت پیامبران پیشین مانند موسی و دیگران و ازدواج متعدد آنان اعتراض نکرده اند .

مقاله اخیر پرورفوسور راسل لی دانشمند و محقق امریکائی نیز مشعر بتائید جواز تعدد زوجات است و نظرها هل فن و نویسنده گان من جمله علامه شیخ محمد مدنی رئیس دانشکده شریعت دانشگاه الازهر را جلب کرده است که میگوید اسلام تعدد زوجات را بطور مطلق جائز نمیداند و ازدواج با بیش از یک زن غالباً حرام است و ضمناً اضافه میکند که مثلاً اگر در اثر لشکر کشی عده مردان نقصان یابد برای اینکه عده بسیاری از زنان بی همسر مانند تعدد مطرح خواهد بود و در بیانات خود بآیه سوم و صد و بیست و نهم سوره نساء تکیه میکند .

نکته جالب این است که محققین و علماء متجدد مسیحی عمیق و مترقی بدون بودن مقررات اسلامی را مخصوصاً در مورد طلاق و تعدد زوجات تائید میکنند و خود ما مسلمانان با نظر بیمهری تلقی میکنیم .

حضرت صادق از ابوحنیفه پرسید که عاقل کیست؟ گفت آنکه نیک از بد تمیز

دهد فومود حیوان هم خوب از بد میشناسد و میان کسیکه بزاند و آنکه علف دهد فرق میگذارد ابوحنیفه همین سؤال را از حضرت صادق کرد فرمودند عاقل آنست که میان دوخیر و دوشر و دوضرر تمیز کند تا ازدوخیر **خیر الخیرین** و از دوشر **خیر الشرین** و از دوضرر **اقل الضررین** را برگزیند .

بیائیم برای تعیین خیر الخیرین یا خیر الشرین و اقل الضررین سود و زیان منع یا جواز تعدد زوجات را مقایسه کنیم و اگر تعدد زن را بد شناختیم از بدتر بترسیم و وقتیکه یقین بایجاد بهتری نداریم بد را جای خود بگذاریم و مانند منع **ترياک** و ابتلای بهروئین از تعدد زوجات بدامن فحشاء پناه ببریم .

کسانیکه بعنوان تجدد و فرنگی مآبی باعتبار مرد دو زنه تاخته و بدلائل سطحی سیل ایراد و انتقاد را بسوی اجازه و اباحه دین اسلام در تجویز طلاق و تعدد زوجات روان کرده اند و باین دودستور عالی که در حمایت نسوان صادر شده بنظر کدورت و خصومت مینگردند و بایجاد دشمنی بین زنان و تشمت و پراکندگی و عدم تادیه حق فراش و عدم کفایت و اشباع تمنیات جنسی بانوان و امکان انحراف بعض آنان و عدول از جاده عفاف و امانت و ناموس استدلال میکنند و برخلاف سلیقه و میل درونی خود تجویز تنوع طلبی خانمها را پیشنهاد میکنند خوب است تاریخ را رو بقلب ورق بزنند و بدانند که تعدد زوجات از عادات قدیمی بوده و مردم آشور و بابل هر قدر میخواستند زن میگرفتند. بدانند که در قصر هارون الرشید دوهزار زن بود که هر يك از آنها در یکی از صنایع و فنون علمی و ادبی و موسیقی و طرب متخصص بشمار میرفته است ، بدانند که در مذهب یهود تا یکصد زن برای مرد مباح بود و در چین طبق قانون (بکلی) هر مردی حق داشت تا صد وسی زن داشته باشد و مؤثرترین عامل وجود فحشا در ملتی که تعداد زنانش بیش از مردان باشد جلوگیری از تعدد زوجات است .

اسلام دائره تعدد زوجات را تنگ کرده و بچهار زن تقلیل داده و این تجویز تعدد از لحاظ منافع اجتماع و در کفه حفظ عفاف و اصل ناموس پرستی یکی از اصول

مسئله اسلامی است که برای هدایت مردان و حمایت زنان و مصونیت جامعه از هرزگی و فحشاء وضع شده است .

بدانند که آماده شدن دختران شرقی در حدود نه سالگی و سرعت رشد جنین زنان و تکرار بارداری تا سن بیست سالگی آنان را در جوانی پیر میکند و در قلمرو اسلام وضع مزاجی و حرص و ولع مسلمانان در مسائل جنسی و طول سفر در مأموریت های این مناطق و محدود شدن بازار برده فروشی و کشته شدن مردان در لشکر کشی و جنگ های تن یتن و جلوگیری از سربردن و زنده بگور کردن و بآب انداختن دختران و خلاصه عدم تساوی یعنی فزونی افراد نسوان جزئی از علل و عوامل مادی تجویز تعدد زوجات است زیرا اگر هر مردی يك زن داشته باشد تعداد زیادی از زنان بی شوهر و بدبخت میمانند و در نشیب فحشاء قرار میگیرند و آقا یا نیکه اگر دودست لباس داشته باشند بيك زن اكتفا نمیکنند در صورت منع تعدد زوجه دختران و زنان را فریب میدهند حتی دست از سر زنان شوهردار برنمیدارند و تسهیل در ازدواج و تجویز تعدد زن در کاهش اخبار لرزاننده ای که در جرایم میخوانید و بی نهایت مؤثر است .

اسلام تعدد زوجات را بطور مطلق جائز نمیداند و داشتن بیش از يك زن را در اغلب موارد حرام می شناسد ولی اگر در فلسفه و دلائل تجویز تعدد زوجات عمیقانه دقت کنیم شاید در لباس اقتضا احکام خمسہ تکلیفیه متبادر بذهن گردد و در موارد و مواقع گوناگون - واجب - حرام - مستحب مکروه یا مباح بنظر برسد ولی در صورت امکان رعایت و اجرای شرائط مربوطه اباحه ناظر به حمایت نسوان و حفظ و صیانت حقوق ایشان است مثلاً اگر کسی بقصد توالد و بقای نسل و تشکیل خانواده بازنی نجیبه و زیبا و مطبوع و نیک خو ازدواج کرد ولی زن نازا در آمد و مدتی گذشت و فرزندی نیآورد و مسلم و قطعی شد که نقص از زن است و طلاق زن از لحاظ مالی و خانوادگی و سایر جهات موجب بدبختی و پریشانی وی میگردد و برای شوهر ممکن است با ابقای وی و افزایش زن دیگر نقص نازائی

و توالد و تشکیل خانواده را که مقصود اصلی نکاح بوده است رفع کند.

یا کسی زنی نجیب و سازگار دارد که بمرضی مسری و دردی غیر قابل علاج مبتلایمیشود و مرد از لحاظ غرائز جنسی خود را در خطر ارتکاب زنا ببیند و باین بن بست میرسد که وقتی گوش انسان بخارد و دستش بسته باشد سرش را بدیوار میمالد بجای اینکه قوزی بالای قوز بگذارد وزن را بی سرپرست نهاده طلاق دهد در حالیکه زن طلاق نخواهد و او هم قطع علاقه نکرده باشد برای احتراز از زنا و فحشاء با رعایت مقررات اسلامی میتواند زن دیگری اختیار کند.

یا کسی زنی با چند فرزند کوچک داشته باشد وزن بعثتی نتواند وظائف جنسی زناشویی را ادا کند و با توجه باین نقیصه برای شوهرش زوجه دیگری انتخاب کند تا کانون خانواده را حفظ و شوهر را از انحراف و هرزگی دور داشته باشد و بحکم عقل احساسات خویش را محکوم کند و بارعبت درونی و محبت بشوهر و اولاد بتعدد رضایت دهد.

اسلام که ازدواج اشتراکی ندارد و رابطه آزاد جنسی را حرام کرده است و اجازه هم خوابگی آزمایشی نمیدهد و محرومیت زنان را با مصلحت اجتماع موافق نمیداند با تجویز تعدد زوجات راه فرار از زنا و احتراز از فحشا را برای مرد وزن باز کرده است. ولی اگر کسی زن داشته باشد

در موارد قبلی حقوق و مصلحت زن رعایت شده و اقل الضررین بقایای زوجیت و رضای بتعدد است ولی در مورد اخیر الذکر که مسلماً در شرع اسلام ممنوع است باز هم اگر خوب دقت کنیم میبینیم که تجویز تعدد زوجات حتی اگر مورد سوء استفاده هم واقع شود در مقایسه با سوء استفاده ای که از منع تعدد زوجات در سایر ملل و مذاهب شده برای جامعه و نسوان کمتر ضرر داشته و دارد یعنی خیرالشرین است زیرا آنهائیکه پرچم مخالفت با تعدد زوجات را بدوش گرفته اند بی نیاز از تعدد زوجه اند و تحت عنوان آزادی در مالک غریبی میتوانند هر قدر بخواهند از هم خوابگی بدون نکاح استفاده کنند و دختران شان قبل از رسیدن بآستانه زواج بر حسب عرف و

عادت اجازه دارند آنقدر که بخواهند تا مرز زناشوئی از یکدیگر کام برگیرند یعنی اگر این متجددین دو آتشه در کشور های متمدن از یکطرف رابطه آزاد جنسی (کونکوبیناژ *Concubinage*) راطوری رایج کرده اند که بحکایت اخبار جراید سالیانه در حدود چهارصد هزار ولدالزنا از دانشگاههای امریکا تولید شده و ناچار برای آنها پرورشگاه مخصوص تهیه کرده اند از طرف دیگر تعدد زوجات را ممنوع و ممنوع میدانند .

آنهائیکه پرچم مخالفت با تعدد زوجات را برافراشته و از دین اسلام انتقاد میکنند میخواهند مقررات اسلامی را اصلاح و تصحیح کنند اگر مانند ژاپن که تحت عنوان آشی ایرو *Achi iru* یعنی ازدواج آزمایشی، دختر (زوجه) برای آزمایش یک ماه بخانه شوهر میرفت و بطور موقت تمام لوازم و مقتضیات زناشوئی را عملی و اجرا میکرد و اگر مورد پسند واقع نمیشد بعد از نگاهداشتن عده ششماهه بدیگری شوهر میکرد اشباع شوند محلی برای تجویز تعدد زوجات باقی نداشته حتی یک زن را هم می توانند ممنوع بدانند کما اینکه یک وقتی در انگستان ده یا دوازده نفر شریک شده بعده جمعیت خود زن داشته و زنها بین آنها مشترک و فرزندی که متولد میشد فرزند همه آنها محسوب میگردد بحث تعدد زوجات هم مطرح نبود و هیچکس چهارزن نمی گرفت .

خلاصه اینکه اگر هر ج و مرج طلبی در ارضاء شهوت رایج باشد و تمنیات جنسی باسانی و ارزانی اشباع گردد و اگر قرار باشد بانکاح یا بدون قصد نکاح دختران زنان بی شوهر از راه رابطه آزاد شهوت خود را ارضاء واقناع کنند و باصلاح بخواهند یا بتوانند قبلاً یک دیگر را درک کنند مسئله حل شده است و موضوع تعدد زوجات مطرح نخواهد بود و احتیاج به سفسطه و این عبارات تهی نیست .

اما اینکه بعضی خانم ها بر خلاف سلیقه و میل درونی خود برای تهدید حق تنوع طلبی را برای نسوان طرح کرده اند البته باید بدانند که عدم تساوی قضائی و اقتصادی زن و مرد در اغلب جوامع بشری باقیست و دارج آن

متفاوت است مثلاً اتفاق پدر بر عهده پسر گذاشته شده ولی دختر عهده دار اتفاق نیست و پدر بعد از رشد پسر مجبور با اتفاق نیست ولی اتفاق دختر تا شوهر نکرده و لو اینکه برشد قانونی رسیده باشد بعهد پدر است و اگر متقابلاً بزنان اجازه داده میشد که چند شوهر داشته باشند موضوع ارث و نسب دچار اختلال و تلاشی میگردید و منع تعدد شوهر نیز برای حمایت نسوان و احترام از بلا تکلیفی و سرگردانی ایشان است خوبست بجای تهدید به تنوع طلبی از این بلا ترسند که در ایران هم روزی زنان چون سبو دوش بدوش و چو قدح دست بدست بگردند و همانطور که باطناً عقیده دارند همیشه بگویند :

من آن نگین سلیمان بهیچ نستانم که ماه ماه در او دست اهرمن باشد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی